

معرفه المهدی (جلسه ۲۵)

اگر خاطر مبارک تان باشد یک بحثی به مناسبت داشتیم سر بحث حواریون می کردیم که عنوان یک کسانی که خودشان تکمیل کننده ی سنن الهی هستند و تکمیل کننده ی جریان امامت هستند، و این ها واسطه ای هستند برای اینی که خلاصه آن برنامه و طرح خدا که توسط امام و نبی دارد پیاده می شود، این ها در حقیقت پیاده می کنند و این ها متصل به دستگاه امامت هستند؛ دستگاه امامت با وجود این ها در حقیقت تکمیل می شود.

یادم است که راجع به این سنت تمحیص و تمحیض و جذب حداکثری هم حرفی گفته شد، راجع به این که به هر جهت با وجود سنت تمحیض که خود اساساً دستگاه امامت ایجاد می کند، جریان حق یکی از اتفاقاتی که ایجاد می کند تمحیض است یعنی جدا سازی است، این هم اشکال این نیست، این اشکال امثال بنده است که ریزش می کنم در این داستان، وگرنه این اتفاق در خود قرآن هم می افتد که «وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» و در دستگاه امامت می افتد، در مورد خود غیبت و اصل الغیبة که من عرض کردم یک پدیده ی نیکویی است یک ریزش اتفاق می افتد، و این طولانی شدن غیبت هم باز ریزش ایجاد می کند و این ها خاصیت جریان حق است وگرنه عرض شد که غیبت اگر قرار بود که باعث ابطال حجت بشود و یک نفر بخاطر غیبت ریزش بکند خدا یک روز غیبت را انجام نمی داد، این آن جریان حق است که باید اتفاق بیفتد و طبیعتاً جریان حق آن والپروا و حوادث جانبی اش ریزش است، خود پدیده ی حواریون که در انتهای سوره ی صف نشان دادیم تکمیل کننده ی این پدیده است، یعنی تکمیل کننده ی جریان خلاصه سنت خدا است در این مسائل، که حالا این تکه ها را حالا بحثش را گفتیم و صرفاً یادآوری هر چند وقت به وقتش هم به نظرم لازم است برای این که بدانیم خلاصه جریان حق این اتفاق را ایجاد می کند، جذب حداکثری می خواهید بکنید اشکال ندارد منتها دست خط خدا را به هم نزنید، بارها عرض کردیم جذب حداکثری به این است که شما جذب بکنید به صورت حداکثری به جریان حق و به جریان امام، نه این که جذب حداکثری معنایش این باشد که خطوط قرمز را یک مقداری کمرنگ بکنید، حب و بغض ها را کلاً یک مقداری کمرنگ بکنید که همه جمع بشوند در این کاسه، اصلاً به این معنا نیست، اتفاقاً جریان حق حب و بغض ها را تکمیل می کند، خط ها را تصحیح می کند، حالا شما بیاوید جذب حداکثری بکنید به سمت جریان حق، به سمت امام جذب حداکثری بکنید، دست ملت را بگیرید بیاورید سمت امام، این کار را بکنید، این می شود آن معنایی که خلاصه دنبال می کردیم.

در مورد حواریین در حقیقت چرا این بحث را شروع کردیم بخاطر، آن نگاهی که قرآن در این بحث شاهد دارد، آیه ی ۵۲-۵۳ سوره ی مبارکه ی آل عمران صفحه ۵۶-۵۷ را بیاورید، دارد که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمْ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» حواریون گفتند ما «أَنْصَارُ اللَّهِ» هستیم و خلاصه ایمان آوردیم «وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» ببینید این نکته من چند بار هم به مناسبتی عرض کردم، اینی که حواریونی که ایمان آوردند مخاطب خلاصه یک جریان دیگری دارند می شوند، معلوم است مخاطب صالح بودن نیستند، مخاطب مصلح شدن هستند، ببینید حواریون خودشان همین جوری ایمان دارند، اینی که الآن می آیند می گویند «رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ» ما تبعیت از رسول می کنیم «فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» تو هم پس ما را جزء شاهدین قرار بده که حالا عرض می کنم این نکته ی این داستان چیست؛ خلاصه تبعیت از رسول یعنی این که شما دست خط رسول و برنامه و هدف رسول را حالا من می خواهم آن را طی بکنم، معلوم است وقتی که این ها دارند صدا زده می شوند، معلوم است مأموریت رسول را می خواهند انجام بدهند، که حالا همان چیزی که از حواریون کلاً توقع بوده در پایان سوره ی صف خدا دارد از «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» توقع می کند که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَىٰ ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ» این که بعضی از شیعیان وجود امام زمان (عج) را منکر می شوند، غیبت مایه ی حیران نشده، اولاً نکته اش این است که شاهدین کار خودشان را درست انجام نمی دهند، این یک نکته است، یعنی تکمیل دستگاه امامت نمی کنند، نکته ی دیگرش این است که خب همین است جریان حق این است، یعنی حق باعث می شود که در آن روایات هم خواندیم که گفته بودند، خیلی پس زمانی

که فلان است، خیلی زمان بدی است، گفتند نه اصل جنس همان موقع است «يَحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ» جاهلون به حیرت می افتند در آن زمان، البته این نکته هم است می گویم ما به واسطه ی عدم وجود کانون های مترکّم دین داری، به واسطه ی این دستگاه رسول تکمیل نیست چون که قرار نیست رسول فقط باید باشد، امت باشد با امام، باید کسانی به عنوان حواریّین در حقیقت این ها نقش های جهانی ایفا بکنند که حالا عرض می کنم، بگذارید یک خورده برود بحث جلو، این ها خلاصه آن توقعی که از حواریّون بود این توقع امروزه آمده بارگذاری شده روی چه؟ بارگذاری شده روی کل «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» حالا من این بار را نمی خواهم ببرم این یک بحث دیگر است، من بار را می گذارم زمین، اتفاقاً خود این بار گذاشتن زمین یک دین فردی شخصی برای خودم یک گوشه ای به انزوا می خواهم یک کاری بکنم، طبیعتاً این هم یک بخشی از ریزش است، من هم الآن کار ندارم به این که این جهنم می رود با نمی رود، در جهنم کجا می رود؟ ما قرار است برویم در کجای جهنم؟ مثلاً برویم کدام طبقاتش؟ الآن بحث مان این نیست، بحث مان آن وظیفه ی جهانی رسول است که این وظیفه ی جهانی انجام نمی شود و حواریّون را دارد عیسی (علیه السلام) صدا می زند برای یک وظیفه ی بزرگ تر، چون که وظیفه ی دین داری را که دارند انجام می دهند حواریّون، وظیفه ی دین داری را حواریّون دارند انجام می دهند یک وظیفه ی بزرگ تر.

ببینید در چند جای قرآن، یک مأموریتی رسول دارد، این بستگی دارد من خودم را در آن مأموریت قرار می دهم یا نه، یا فکر می کنم این مأموریت رسول است فقط، این میثاق رسول است، فکر می کنم این ها میثاق رسول است، یعنی رسول رفته یک میثاقی را سپرده، یک مأموریتی دارد می خواهد برود مأموریت خودش را انجام بدهد! در چند جای قرآن این عبارت، عبارت آشنایی است حالا اگر یکی اش را هم عزیزان بگذارند که «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» که در جریان حضرت مهدی (عج) به این جور آیات خیلی استناد شده یعنی قرار است حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این مأموریت را ببرد جلو، چی؟ یک مأموریت جهانی «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ» تا عالم گیر بکند، جهان گیر بکند همه چیز را، حضرت هم همین مسئولیت را باید انجام بدهد، همین مأموریت را ببرد جلو، همین میثاق را ببرد جلو؛ یک نکته ی پرانتزی این جا وجود دارد، میثاقی که کلاً از انبیاء گرفته می شود، گفتم ما انبیاء به تنهایی نداریم، ما انبیاء داریم با آن کانون مترکّم دین داری که تکمیل دستگاه نبی می کند، یعنی میثاقی که از یک نبی دارد گرفته می شود میثاقی است که از امتش دارد گرفته می شود، اگر بگویند مأموریتش این است این مأموریت امتش هم است، مأموریت شخص نیست، مأموریت او و امت است، شما کما این که در این آیه، روایتش را هم گذاشتم، ذیل همین آیه که «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ» این مأموریت، مأموریت پیغمبر است، این مأموریت حضرت حجت هم همین مأموریت است که باید انجام بدهد.

حالا ابی که ببینید شیعه و کسانی که لأقل با عنوان حواریّون می خواهند عمل بکنند، باید اساساً خودشان را در معرض مأموریت جهانی قرار بدهند، ببینید شیعه اساساً نباید فکر بکنند به ابی که مثلاً من یک دین فردی دارم برای خودم، می روم نمازم را می خوانم، پولم را در می آورم، کار و زندگی ام را می کنم و این ها؛ اصلاً این جوری نیست، او نمازش را هم می خواند، نماز فردی فرادایش را هم می خواند برای آن هدف جهانی باید بخواند، کار می کند برای آن هدف جهانی، درس می دهد برای آن هدف جهانی، بچه تربیت می کند برای آن هدف جهانی، باید اِشْلِش جهانی بشود، اِشْلِش بین المللی بشود، چون که کار امامش همین است، مسئولیت امامش همین است، خدا می گوید همان مسئولیت را، لذا نسبت به عالم باید دغدغه پیدا بکنند نه نسبت به فرد خودش، ابی که یک دید وسیعی مثل دید حضرت امام و حضرت آقا و این ها، که می گویند اصلاً تمام امور دین، حتی تمام امور فقه، بسط جریان توحید است در عالم! حتی نمازش، حتی آن جایی که شما انزوا می گیرید، انزوایش هم برای همان است، حتی آن جایی که می خوابید، خوابیدنش هم برای همین است، برای بسط جریان توحید «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» در همه عالم.

شما اصلاً خودتان را در خلاصه پوزیشن حواریّون قرار می دهید یا نه؟ بحث این است، که شما آن شاهی بشوید که بشود آن کانون مترکّم دین داری که نصاب جریان امام و نبی را تکمیل می کند، و این هم خیلی اش به همین نیتی است که می کنید و

اساساً چیزی است که می گیرید به خودتان، خلاصه موقعیتی که می گیرید، یک موقعیت فردی این جوری دارید می گیرید یا یک موقعیت جهانی دارید می گیرید یعنی همان موقعیت امام، گارد امام تان را دارید می گیرید، گارد امام تان را دارید می گیرید یا گارد، ببینید دید وسیع می شود این دیگر، امام خمینی (ره) می گوید تمام فقه برای بسط جریان توحید است، اصلاً بعضی ها این روایتی که مثلاً منتقمی می آید که مثلاً انتقام می گیرد از ظالمین که ظلم کردند به شیعه و فلان و این ها، بعضی ها می آیند همین را در یک بازه ی بسیار ضیقی می ببینند، اصلاً معلوم است نگاه درست نیست، مثلاً فکر می کند الآن کسانی که به شما ظلم های شخصی کردند، می آید یک انتقامی از آن ها می گیرد، مثلاً حال شان را می گیرد، آن کسی که مثلاً یک طرفه آمده، نمی دانم فلان، یا مثلاً می آید آن دو نفر را می کشند بیرون آن ها را انتقام می گیرند، آهان خیال مان راحت شد الآن از آن ها انتقام گرفته شد! نه، قرار است بسط جریان توحید در همه عالم بشود، بحث این نیست که این ها یک انتقامی از یک ظالمی مثلاً بگیرند، بگویند خب الآن این انتقام را از این دو نفر ما گرفتیم دیگر تمام است! ما کارمان را انجام دادیم! یعنی تمام این امام آمده برای این که همین کارها را بکند.

ببینید اصلاً این نماز شبی که شما می خوانید، مثلاً می نشینید نماز شب می خوانید، شما یک موقع است دارید خودت را تجهیز می کنی به صورت فردی برای یک لشکر، یک موقع هم تجهیز می کنی که تجهیز کرده باشی برای خودت، شما الآن خودت را دغدغه ی عالم پیدا می کنی، دغدغه ی عالم پیدا بکنی توثیت هایت فرق می کند، تربیت بچه ات هم فرق می کند، سفرهایت فرق می کند، نگاهت به اربعین فرق می کند، می خواهی یک آتشی کلاً در عالم بسوزانی، یا حتی وقتی که شما می آبی به انزوا، دستور به انزوا، انزوا پیدا می کنی، نماز شبت را می خوانی و این ها که داری تجهیز می کنی خودت را برای یک اقدام جهانی، برای این کار داری این کار را می کنی، و این است که خلاصه به اندازه ی دغدغه های تان دارد به شما قیمت می دهد.

بگذارید من باز یک چندتا آیه بخوانم که وقتی که من می گویم این میثاقی که یک پیغمبر می سپارد میثاق پیغمبر نیست، میثاقی است که شما سوره ی آل عمران آیه ی ۸۱ را ببینید، در آیه ی ۸۱ و ۸۲ مجموعاً با همدیگر نشان می دهد وقتی که خدا دارد از نبی میثاق می گیرد، دارد از امتش میثاق می گیرد، یعنی از نبی و امتش دارد میثاق می گیرد، دارد می گوید «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ» خدا از نبی پیمان گرفته که «لَمَا آتَيْنُكُمْ» هر موقع خلاصه یک رسولی آمد «مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ» به شما داده بودند بعد «رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ» الآن رسول آمد به شما کتاب داده بودند، حکمت داده بودند، شما نبی بودید، منتها رسول آمد، رسول آمد یعنی با پدیده های اجتماعی آمد، چون که بعضی ها نبی بودند «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ» این ها کتاب داشتند، حکمت داشتند «ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ» بعد رسول آمد، این ها نبی بودند حالا رسول آمد، یعنی انگار یک پله ترقی کرد داستان، که این ها وقتی عنوان رسول می آید عنوانی است که با امت گره می خورد، نبی با امت گره نمی خورد به تصدیق ملکی گره می خورد، به ملک گره می خورد لذا «فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ» داریم «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» هم داریم، این ها با هم فرق دارد؛ نبی تفضیلش به تصدیق ملک است، رسول در حقیقت به برتری امت است، ببینید خیلی آیه ی شیکی است «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ» از نبیین چیز شد که شما «لَمَا آتَيْنُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ» وقتی که کتاب و حکمت یادتان آمد «ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ» بعد رسول آمد «مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ» نبی کارت را می گذاری زمین، می روی سراغ کارهای رسول، یعنی از مقام نبوت تو باید بیایی در دم و دستگاه رسالت عمل بکنی «قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي» ببینید این ها هم شبیه حواریون دارند عمل می کنند برای رسول به عبارتی، نبی برای رسول دارد «قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي» اقرار کردید این پیمان من را سپردید خلاصه «قَالُوا أَفَرَأَيْنَا» «قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ» بعد دارد که «فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» مگر ممکن است که نبی پشت کند نسبت به این دستور؟ ممکن است؟ نبی که چیز نمی کند، پس این چیست؟ کی دارد به این پیمان پشت می کند؟ همان امت است دیگر پس معلوم است از آن اول که «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ» با امتش داشتند پیمان می گرفتند، این پیمان از آن قله شره می کند تا پایین.

لذا وقتی که می‌گویند وظیفه‌ی نبی «أَرْسَلَ رَسُولُهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ» است، اگر آیه‌های پایانی سوره‌ی صف را نداشتیم هم شما باید می‌فهمیدید که «كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ» باید می‌فهمیدید که این وظیفه‌ی توسل‌الآن، یعنی این از آن بالا شره می‌کند تا پایینش، و به خصوص همین که می‌گویند افراد خاص یعنی حواریونی که باید این کار را بکنند؛ لذا در جریان این‌ها می‌گویند شما بیایید وارد این جریان بشوید، جهانی هم چیز بکنید که حالا این جهانی‌اش این‌جا نیست به شما می‌گویم کجاست، در همین عبارت‌های «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» باید این گارد را بگیرید به خودتان «آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» می‌گویند پس ما را در یک جایی، با یک کسانی ثبت مان کن، ما هم تبعیت از رسول می‌کنیم، و این نقش جدید را می‌پذیریم و «فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» این‌ها هم خیلی آدم‌های بزرگی بودند، چون که این انتهای سوره‌ی مبارکه‌ی مائده را ببینید، در انتهای سوره‌ی مبارکه‌ی مائده، در این جا یک جوری به نظر بعضی‌ها می‌رسد که این‌ها خیلی آدم ضایعی بودند، اصلاً این جوری نیست که ضایعی بودند، از آیه‌ی ۱۱۱ سوره‌ی مبارکه‌ی مائده نگاه کنید، به دلیل یک گفتمانی که با حضرت عیسی (علیه السلام) داشتند، به نظر آمده که این‌ها مثلاً چه ضایع! مثلاً حواریون چقدر ضایع بودند! نه حواریون ضایع نبودند، اتفاقاً در همین آیه‌ی ۱۱۱ مورد وحی خدا هستند، که باز دوباره معلوم است که این وظیفه‌ی جدید را گرفتند، بله آن آدم‌های خاص چک‌های خاص هم می‌خورند، این را باید بدانند، شما وقتی که می‌شوی آدم خاص و می‌خواهی وظیفه‌ی امام را دنبال بکنی، جهانی هم می‌خواهی فکر بکنی، دست خط خلاصه دست امام را خط نرنی و همه‌ی این‌ها روی هم، طبیعتاً شما چک می‌خوری در این وسط، اصلاً ازت یک توقع دیگری دارند، این به معنای بد بودن حواریون نیست، ببینید «وَإِذْ أُوحِيَتْ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي» حالا شاهدینش را عرض می‌کنم این چیست، چون این جا هم باز دوباره می‌گویند بحث شاهدین را «وَأُوحِيَتْ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» که خدا می‌گوید من وحی کردم به حواریون که ایمان بیاورید و به رسول من ایمان بیاورید، یعنی این‌ها شکار شده‌های وحی خدا هستند، یعنی خدا یک الهاماتی می‌کند به یک عده‌ای، که بیایید یک وظیفه‌ی دیگری را انجام بدهید، چرا نشستید برای خودتان همین جوری سرتان را کردید در لاک خودتان، حواست را کردی به رزق خودت، حواست را کردی به ایمان خودت و حواست را کردی به... پس وظیفه‌ی قائم چه می‌شود این وسط؟ وظیفه‌ی حضرت را کی می‌رود دنبالش؟ «إِذْ أُوحِيَتْ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ» این‌ها دنبال این نبودند، دنبال یک حجتی می‌گشتند، که با این حجت مثلاً دل‌شان گرم شود، که حتی این مقدار خدا در حقیقت در حضرت عیسی (علیه السلام) قبول نمی‌کند از این‌ها.

در این هم قبول نمی‌کند، اصلاً دعا را هم عوض می‌کند، دعای این‌ها را عوض می‌کند، ببیند این‌ها می‌گویند چه بشود ما دل‌مان گرم بشود مثلاً به یک چیز، یک جریانی بشود، یک مائده... نه این که این‌ها مثلاً یک سری آدم شکم‌چران، مثلاً تصویر شده از این‌ها، که این‌ها دنبال یک سفره‌ای و بساطی و مثلاً، بعد دنبال یک چیزهایی بودند که مثلاً امدادهای آسمانی فلان که دل‌مان گرم بشود که «إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ» یک چیزی، یک سفره‌ی آماده‌ی آسمانی بیاید، ما دل‌مان گرم بشود در این راه و فلان و این‌ها، حضرت می‌زند در دهن‌شان، می‌گوید «قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنُتُمْ مُؤْمِنِينَ» مگر شما مؤمن نیستید اصلاً؟ آخر چرا اینقدر چیز می‌خواهید، چرا حجت‌های... مثل این‌هایی که می‌گویند اگر این راه خوب است می‌شود یک خوابی هم ببینیم مثلاً! برای چه می‌خواهید خواب ببینید؟ در بیداری تمام حجت‌ها بر این است که ما باید علیه آمریکا اقدام بکنیم، علیه اسرائیل باید اقدام بکنیم، باید این مسیر اربعین را منتهی بکنیم به ظهور، با تمام شواهد و قرائن و تمام ایمان‌ها همین را می‌گوید، این‌ها هم شکار شده‌ی وحی هستند، یعنی خدا الهامات لازم را به این‌ها کرده، خب این دیگر چیست که یک چیز دیگر که دل‌مان گرم بشود؟ وقتی که حضرت می‌زند در دهن‌شان این‌ها می‌گویند «قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَنَطْمِئِنَّ قُلُوبُنَا» قلب‌مان مطمئن بشود «وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتُنَا وَنَكُونَ عَلَيْنَا مِنَ الشَّاهِدِينَ» ما جزء شاهدین باشیم، بفهمیم که تو داری راست می‌گویی، می‌خواهیم قلب‌مان دیگر محکم بشود، خدا این مقدار از آدم خواسته قبول نمی‌کند، بله وقتی که خدا بهشان وحی کرده، الهام کرده، حجت‌ها را نشان داده حالا یعنی چه که مثلاً یک دانه چیزی بیاید مثلاً، وحی حواریون به چه صورت است؟ وحی حواریون همین الهاماتی است که شما مثلاً، گفتیم «نَكْتُ فِي قَلْبِهِ» مثلاً در روایات است، که خلاصه طرف را یک چیزی دارد مثل «أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَرْضِعِيهِ

فَإِذَا خِفتَ عَلَيْهِ فَالْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» کسی که بچه اش را همین جوری نمی اندازد در آب، یک چیزی در او ایجاد شده، یک شوری در او ایجاد شده که باید من این مسیر را بروم، من باید فلان مسیر را بروم، من باید فلان کمک را بکنم، من باید این جا زیر علم آقا این سینه را بزنم، این جا همان جایی است که به او وحی شده، خب حق نداری همچین تقاضایی بکنی! بعد که این را می گویند «نَعْلَمَ أَنَّ قَدْ صَدَقْتَنَا» و فلان و این ها، می گویم در جایگاه حواریون باید ترجمه اش بکنید، می گویم آدم خاص ها حق خواستن این مقدار حجت هم ندارند، بعد حضرت عیسی (علیه السلام) دعا را عوض می کند، آن نه، آن جریان راجع به حضرت ابراهیم (علیه السلام) حالا آن را در جریان بحث آیه الکرسی و ادامش، امتدادهایش آن را می گویم، ولی نکته حضرت ابراهیم (علیه السلام) این است که آن اطمینان قلبی که می خواسته، می خواسته محیی بشود، نمی خواسته بفهمد معاد هست یا نیست، این در حد من هم همچین تقاضایی نمی کند از خدا، مثلاً من الآن واقعاً می دانم معادی است، اصلاً احتیاج به هیچ دلیلی هم ندارد دیگر، آن یک چیز دیگر است، می خواسته محیی بشود، بعد تازه این احیا امت را می خواسته، یعنی پدیده ی احیای امت را می خواسته، حالا بگذارید آن جا سر جایش می گویم.

دعا را عوض می کند به این که عیسی بن مریم (علیه السلام) «اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» یعنی معلوم است این بهترین رزق است که بیاید برای این که عید باشد، عید آن موقعی است که «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» یعنی نه این که ما دل مان آرام بشود برای فلان، ما مطمئن بشویم این راه درست است، خدایا این مائده را برسان، خدایا امام ما را برسان عید بشود «وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» ببینید این ها تناسب های حکم و موضوع است، وقتی که می گویند خدا انسان را می آفریند و می گوید که «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» یعنی انسان چیست؟ انسان أحسن المخلوقین است، وقتی که این جا عیسی (علیه السلام) می گوید «وَارْزُقْنَا» این مائده ی آسمانی را این جا برای ما برسان که عید بشود برای ما، برای اول و آخر ما عید باشد این، برای ما بس است اصلاً این مائده، این «خَيْرُ الرَّازِقِينَ» یعنی این خیر و رزق است، بهترین رزق، رزق «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» است. یعنی اول و آخر، نخیر اول و آخر دنیا، یک آیه ای باشد، این بهترین رزق همان نسل نیست، یک امامی بفرست که این امام در حقیقت، این مائده را از آسمان بفرست نه این که حالا سفره ای فرستاده نشده، ولی این سفره را بفرست که این انگار برای ما آن جریان عید اصلی را داشته باشد. دارد «قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُرْسِلُهَا عَلَيْكُمْ» من نازل می کنم این را ولی بدانید وقتی که حجت این جوری می خواهید که عید بشود و معلوم بشود و بشود «خَيْرُ الرَّازِقِينَ» و این ها «فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ» وقتی که فرض بکنید مثل این که من یک انقلابی برای شما می آورم، که شما ببینید آقا انقلاب ها در آن این اتفاق بیفتند، یکهو بی بساط ظالم و مظلوم این جوری می شود، ولی «فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ» شما بالاترین سطح حجت را می خواهید، پس اگر بالاترین سطح حجت را می خواهید، بالاترین سطح عذاب را هم دارید می خواهید! بالاترین سطح حجت بالاترین سطح عذاب را به همراه خودش دارد.

آن مملکتی که انقلاب کرده و با انقلاب پیش رفته و... این اگر وظایف جهانی اش را نرود انجام بدهد به بالاترین سطح عذاب می رسد، اگر بخواهد با دشمن ببندد این جا است که «فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى اللَّهِ» یعنی اگر بخواهد برود در مایه ی گوساله و گوساله پرستی و فلان و این چیزها، این دیگر اگر بخواهد برود با دشمن ها، خیلی جاها می روند با آمریکا می بندد، اگر ایران برود با آمریکا ببندد دیگر شما این تغییرات را با این در حقیقت مائده ی آسمانی و ولایت شما این را دیدید، این تغییرات را دیدید، سر این سفره نشستید، سر این سفره خوردید، این سفره را مزایای این سفره را دیدید، اگر «فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ» چرا این ها را دارم این جوری معنی می کنم بخاطر این که آن محتوا، من نمی گویم هیچ سفره ای نبوده، هیچ مائده ای نبوده، ولی این مائده در ارتباط با خیر الرزق بوده، خیر النعمة بوده، که «وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» مائده مربوط به این بوده نه این که ما مطمئن بشویم، می گوید می فرستم، یک همچین مائده ای را بفرست که باشد برای ما حالت شاخص، به عنوان خیر الرزق دم دست ما باشد که آن موقع ما بدانیم که مثلاً آن، مثل این که یک پایلوتش را مثلاً برای ما بفرست تا آن کل، بله دیگر همین است، کسی که این چیزها را دیده حق گوساله پرستی ندارد دیگر. بالاترین سطح حجت را شما، یعنی یک پایلوت ولایت را شما دارید می خواهید، پایلوت ولایت این جوری، این جوری، این

جوری می‌خواهید، این مائده خیرالرزق این مدلی می‌خواهید، خب این می‌شود، خیرالحجة می‌شود و خیرالحجة هم خیرالعذاب است، یعنی دیگر اشدالعذاب است «لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ» ببینید خیلی عبارت عجیب است که معلوم است بالاترین سطح چیز را این‌ها خواستند، پس این هم می‌شود آن جریان؛ حالا این را چرا من گفتم وظیفه‌ی، حالا می‌گویم پابلوت منظورم این است که بالآخره ارتباطی به جریان چیز باید داشته باشد.

عرض به خدمت تان این آیه‌ی ۱۴۳ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره را بیاورید؛ ببینید این جا است که می‌گویم از شما اساساً از ما توقع چی شده؟ آیه‌ی ۱۴۲-۱۴۳، از ما توقع این شده که ما شاهد باشیم و بین رسول باشیم و کل جهان، این می‌شود همان نگاه‌های جهانی و تکمیل ظرفیت رسول، و شاهد باشیم، ببینید بحث این که شاهد بودن، یک موقع است در آن درجه‌ی اعلایش دارید طرح می‌کنید شاهد بودن را، درجه‌ی اعلا‌ی شاهد بودن می‌شود خود امام، که اصلاً شاهد بر اعمال و فلان و امت‌ها هم است، یک درجه‌ی دیگری از شاهد است که دارد، یعنی درجات مادون این است که عملاً دارد جهان را به آن سمت می‌برد و می‌فهمد دارد چه کار می‌کند، کاملاً متوجه است دارد چه کار می‌کند، تحلیل کافی دارد، انگار دارد می‌بیند مطلب را، انگار دارد شرایط را می‌بیند و این کار را می‌کند، مثل خود امام که شاهد است، مثل خود رسول که شاهد است، این هم شاهد است، این حلقه‌ی مترامک دین دار شاهد است بر این که، و این وظیفه را گرفته مثل امام که گفتم اگر امام شاهد است این هم شاهد است، اگر امام میثاق سپرده این هم میثاق سپرده؛ شاهد است برای این که همان مسیر را بردارد ببرد. اینی که می‌گویند «فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» ما را با شاهدین قرار بدهید یعنی با امام قرار بدهید، بعد در این آیه دارد می‌گوید «سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» که این صراط مستقیم یعنی صراط امام است دیگر «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ» این صراط مستقیم که یک کسانی که می‌خواهند با جریان قبله، این را من مفصل در بحث قبله گفتم که قبله عملاً کانون امام است که این‌ها بیایند و «يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» برسند به جریان امام که حالا در اربعین هم همین جوری است که باز لُحْم قضیه امام در آن جا در اربعین است دیگر.

قضیه حج هم همین است، قضیه‌ی قبله هم همین است که بیایید خلاصه سمت قبله که «يَأْتُواكَ» بیایم پیش تو «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ» بیایم پیش تو، و برسند به صراط مستقیم، حالا که می‌گوید برسند به صراط مستقیم که صراط امام است، بر اساس قبله می‌گوید «وَكَذَلِكَ» حالا چه جوری برسند به صراط مستقیم و برسند به امام و این‌ها؟ این «وَكَذَلِكَ» عملاً آن طرح را نشان می‌دهد «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» ما شما را امت وسط قرار دادیم، وسط بین چه؟ وسط بین مردم عالم و پیغمبر «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» یعنی شما وسط بین جهان ایستادید و پیغمبر، پیغمبر مگر «لِيُظْهَرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» نبود؟ مگر حضرت حجت این نیست؟ شما وسط این داستان ایستادید به نحو شهدا؛ که دارید با نظارت به جهان حرکت می‌کنید، و کاملاً دارید جهان را برانداز می‌کنید که چه کار بکنید، و وظیفه‌ی جهانی دارید «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ» و این را نسبت به شما رسول دارد، یعنی رسول این مراقبت، این نگاه و همه‌ی این‌ها را نسبت به شما دارد و شما نسبت به جهان دارید، شما حلقه‌ی واسطه و تکمیل کننده‌ی ظرفیت پیغمبر هستید، مثل آن حواریون است که آن‌ها گفتند «فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» شما الآن همان شاهدین هستید، شما الآن شاهدین هستید.

شما شاهد هستید بسم الله ببینیم چه کار می‌کنید، شمایی که حواریون دارد می‌گوید «فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» که این باز دوباره بیاورید این آیه‌ی سوره‌ی مائده را، شما آیه‌ی ۸۲-۸۳ را نگاه کنید، از سوره‌ی مبارکه‌ی مائده، در این جا دارد، ببینید الآن همین هم است، یعنی الآن این مسیحی‌های، منجلیست‌ها و فلان و این‌ها، این‌ها هم دنبال همین هستند، این‌ها هم دنبال همین نکته هستند، حالا یا واقعاً می‌پیوندند به ما در این داستان، یکهو می‌مثلاً چون دارد امر لیلۀ درست می‌شود، یکهو می‌بینید این‌ها می‌پیوندند به جریان ما یا این که مهم‌ترین دشمنان ما می‌شوند! این مسیحی‌های صهیونیست منجلیست، این‌ها هم دنبال همین داستان هستند.

در این آیه دارد که «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى» این نصاری، ببینید این همین چیزی است که در حواریون بوده ریخته در نصاری «ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قَسِيصِينَ وَرَهَبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» این‌ها استکبار ندارند، اهل تحقیق هستند، کشیش هستند، رهبان هستند، عابد هستند، از دنیا زدند «وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ» این‌ها انگار یک آمادگی‌هایی داشتند، حرف رسول را و پیام رسول را و دست خط رسول را و آن نگاه رسول را وقتی یکهویی به آن‌ها رسیده «وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ» چشم فشاندند از این که فهمیدند مسیر را، افتادند در مسیر درست، یعنی این جوری شدند «يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا» ببینید «آمَنَّا» به رسول و اهداف رسول «فَاكْتُتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» ما را بیاور در همین خط، این عبارت شاهدین شدن که بیاید طرف در کنار رسول و متمیم جریان رسول بکند، این حرف خیلی مهمی است، و این وظیفه، وظیفه‌ی امت آخر الزمانی است، وظیفه‌ی شیعه است که این کار را انجام بدهد؛ حالا ما انجام می‌دهیم یا نمی‌دهیم، دیگر یک سری خاص‌ها می‌روند انجام می‌دهند، حاج قاسم‌ها می‌روند انجام می‌دهند و فلان و این‌ها... این‌ها دیر می‌روند دیگر انجام می‌دهند، حاج قاسم آن کار را می‌کند، حاج قاسمیان حواسش به زندگی فردی خودش است و یک نمازی بخواند و یک نماز شبی بخواند و کیف الله بازی بکند این فرق حاج قاسم با حاج قاسمیان می‌شود.